

جلسه شانزدهم از سلسله جلسات «بررسی اتفاقات دهه‌های ۵۰ و ۶۰»

کارتر می‌گفت ایران ایالت پنجاه و چهارم آمریکاست



بررسی اتفاقات

یعقوب توکلی، استاد و پژوهشگر تاریخ معاصر در سلسله جلساتی با موضوع «بررسی اتفاقات دهه‌های ۵۰ و ۶۰» در حوزه هنری وقایع و ریشه‌های اتفاقات سال‌های ابتدایی انقلاب در این دهه‌ها را مورد بررسی قرار داده است. «فرهنگیستان» سلسله درسگفتارهای این پژوهشگر تاریخ معاصر را که چندی پیش در حوزه هنری برگزار شده، تدوین و منتشر می‌کند. متنی که از نظر می‌گذرد شانزدهمین و آخرین بخش از سلسله مطالب یادشده است.

ماجرای نامه یاسر عرفات به امام خمینی و جواب تند امام خطاب به محمدرضا؛ به‌زودی محمدرضا شاه سقوط خواهد کرد. توکلی به ماجرای نامه یاسر عرفات برای تسلیم به امام خمینی و جواب توفانی امام پرداخت و گفت: «مرگ حاج‌آقا مصطفی در ایران، با استقبال و احترام گسترده روبه‌رو می‌شود. این اتفاق از جمله اتفاقاتی است که رژیم نمی‌تواند مردم را از برگزاری مراسم ختم و... منع کند. برگزاری مراسم ختم توسط شبکه‌های روحانیت در کشور که پیشتر راجع به آن صحبت کردم، فرصتی را فراهم کرد که نام امام خمینی پس از سال‌ها دوباره به صورت جدی مطرح شود. در جریان این مراسم، علاوه‌بر تسلیم‌گویی به دلیل از بین رفتن پسر یکی از مراجع مهم، دوباره کسانی که مخالف رژیم بودند، حول امام خمینی جمع شدند. نامه‌ای را یاسر عرفات در تسلیم به امام می‌نویسد و ایشان در پاسخ به آن نامه، تعبیری دارد و می‌فرماید که مردم ایران به‌زودی از شر این موجود خبیث، رها خواهند شد. در حقیقت امام این پیش‌بینی را در نامه خود به یاسر عرفات دارد که به‌زودی محمدرضا شاه سقوط خواهد کرد. محمدرضا از این پیش‌بینی و جواب به‌شدت ناراحت می‌شود و منتظر یک فرصت است تا جواب این نامه را بدهد. علاوه‌بر این، در داخل کشور، هیچ نیروی سیاسی‌ای باقی نمانده بود که بتواند در برابر محمدرضا ایستادگی کند. او همه را جمع کرده بود و تقریباً از این بخش، خطری او را تهدید نمی‌کرد. این ماجرا ادامه دارد تا زمانی که در دی ماه ۱۳۵۶، کارتر به ایران سفر می‌کند. او به نشانه دوستی بین شاه و خود، شب اول ژانویه حکومت خود را در ایران سپری می‌کند. کارتر هم در سفر شاه به آمریکا و هم در سفر خود به ایران، حمایت فوق‌العاده و خارج از عرفی از محمدرضا شاه کرد. او در بخشی از صحبت‌های خود می‌گوید که ما بنا هیچ کشور دیگری به اندازه ایران، منافع ملی نداریم و وقتی که من وارد ایران شدم، احساس کردم که وارد ایالت ۵۴ کشور خود شدم. در حقیقت او، حداکثر حمایت را از ایران می‌کند.»

کارتر: ایران ایالت ۵۴ آمریکاست

محمدرضا شاه در پاسخ به نامه امام، متن تندی می‌نویسد. توکلی در مورد این نامه گفت: «بعد از این صحبت‌های کارتر، شاه دستور می‌دهد که بیانیه‌ای بسیار تند علیه آیت‌الله خمینی نوشته و صادر شود. تا سال‌ها گفته می‌شد که آن بیانیه توسط داریوش همایون نوشته شده است اما بعداً خود او افشا می‌کند که آن بیانیه توسط یکی از اعضای قدیمی ساواک یعنی روبریز نیکوخواجه نوشته شده بود. داریوش همایون می‌گوید وقتی نامه نوشته و به دست شاه داده شد، او گفت که این نامه تند نیست و من می‌خواهم از این هم تندتر نوشته شود. محمدرضا در جاهایی از نامه دست می‌برد و درخواست می‌کند که بیانیه به‌شدت تند شود. نامه مجدداً ویرایش شد و خطاب به امام خمینی به‌عنوان سردمدار استعمار سپاه در ایران در روزنامه اطلاعات منتشر شد. روزنامه اطلاعات هم می‌گوید که ما این بیانیه را به‌زور منتشر کردیم، چراکه اعتقاد داشتیم چاپ این متن به‌نوعی خودکشی برای خودمان است. مقاله در ۱۷ دی منتشر شد و در عصر ۱۸ دی تظاهراتی در اعتراض به انتشار این مقاله در قم به راه

کاری کنند که امام از منطقه خارج شود. دقت کنید که امام در پنجم فروردین ۱۳۵۷، اولین گفت‌وگو را با یک خبرنگار خارجی به اسم لوسیون انجام می‌دهد پس به نظر می‌رسد که امام در عراق فعال شده، بنابراین رژیم پهلوی تصمیم می‌گیرد که جای امام را عوض کند. آنان به عراقی‌ها فشار می‌آورند امام به کشور دیگری برود که دیگر دسترسی نداشته باشد و پیام‌هایش قابل جابه‌جایی نباشد. دولت عراق به امام اعلام کرد که ما دیگر نمی‌توانیم امنیت شما را تامین کنیم و شما باید عراق را ترک کنید. به کویت رفتند که او هم رضایت نداد و ۷۲ ساعت در مرز ماندند و سپس این نظر مطرح شد که امام به فرانسه برود، چراکه اتباع ایرانی با فرانسه لغو‌روادید داشتند. به این معنی که شما می‌توانستید بلیت بگیرید، به فرانسه بروید و سه‌ماه در آنجا بمانید و سپس اجازه اقامت را بگیرید. به فرودگاه بغداد آمدند و با نام روح‌الله مصطفوی برای ایشان بلیت گرفتند.»

ماجرای ورود ناشناس امام به فرانسه

او بیان داشت: «رئیس‌جمهور آن زمان فرانسه در خاطرات خود می‌گوید که به صورت ناگهانی، رئیس پلیس فرانسه دستور داد که آیت‌الله خمینی به فرانسه آمده و از هواپیما پیاده شده است. ما ندانیم که باید چه کنیم؟ نمی‌دانستیم که او را باید دستگیر کنیم، زندانی کنیم و... تصمیم گرفتیم که با محمدرضا صحبت کنیم. به او گفتیم که آقای خمینی آمده است؛ هر کار که صلاح بدانید انجام می‌دهیم. بعد از ۴۸ ساعت از زبانی دولت، محمدرضا به رئیس‌جمهور فرانسه گفت که حضور یک پرمرد روحانی در یک کشور پیشرفته اروپایی نمی‌تواند خطری برای ما داشته باشد. نتیجه این شد که فضای رسانه‌ای برای امام باز شد، تجار و مردم به دیدار ایشان رفتند و ایشان به جای انزوا، در کانون توجهات قرار گرفت. این وضعیت ثابت کرد که قدرت انقلاب در ایران در دست چه کسی است. دقت کنید که امام آدم بسیار باهوشی بود و از کمترین فرصت‌ها برای پیشبرد انقلاب استفاده می‌کرد. امام عقلانیت متفاوتی را وارد جامعه ما کرد و البته افتتاح بزرگی را وارد تاریخ سیاسی ما کرد. کار ایشان باعث شد ایرانیان از ترسیدن از نیروهای خارجی، پلیس، ساواک و... بیرون بیایند. اتفاقاتی که امام سامان داد، قدرتی را فراهم کرد که هیچ کس آن را متوجه نشد. جریان‌ی که پای فداکاری برای انقلاب آمد، حرف امام را فهمید و به قدرت ایشان متصل شد. اکنون شاهد این هستیم که عقلانیت امام در منطقه گسترش پیدا کرده است و موج جدیدی را شاهد هستیم. کسانی که می‌خواهند بفهمند چه تفکر بزرگی به‌واسطه انقلاب اسلامی در منطقه ایجاد شد، حتماً اربعین امسال بروند و دقیق و ریز و وحدت‌روحه‌ها را ببینند. آن زمان است که آدم می‌تواند ردپای این موضوع را ببیند. به نظر من تحول بزرگ آتی جهان اسلام حول این محور خواهد بود. امیدوارم که مخالفان ما این موضوع را نفهمند.»

دندان کرم‌خورده سلطنت، جز با دیلم مرجعیت قابل کندن نبود

یعقوب توکلی در بخش پایانی صحبت‌های خود تصریح کرد: «روندی که امام برای پیشبرد انقلاب در نظر گرفت، روند کم‌هزینه‌ای بود. علاوه‌بر این، ایشان می‌دانست که دندان کرم‌خورده سلطنت، جز با دیلم مرجعیت قابل کندن نیست، لذا باید این مسیر را طی می‌کرد. الگو و استراتژی امام، الگوی دیگران نبود، بلکه ایشان به دنبال یک راه پایدار بود. او از آنجا که مرجع تقلید بود، نسبت به خون‌مسلمانان حساسیت داشت، نسبت به جان مردم حساسیت داشت و حتی نسبت به جان طرف مقابل نیز حساسیت داشت. عقلانیت شیعی به ما اجازه نمی‌دهد که به آسانی تن به گسترش خون‌ریزی بدهیم و قتلی رخ بدهد. امام به این مساله توجه داشت.»

در ماجرای ۱۷ شهریور چند نفر کشته شدند؟

بختیار: ۴ هزار نفر را کشتم، مردم: ۳ هزار نفر کشته شدند

او تاکید کرد: «علاوه‌بر این، آنان اقدام دیگری کردند و گفتند که باید فضای مجلس کمی آزاد شود. بنابراین عده‌ای آمدند و علیه شریف‌امامی صحبت کردند. جالب است که این کار باعث شد حتی بدنه خاکستری جامعه نیز به راه بیفتد و کسانی که از هیچ چیز اطلاع نداشتند، از اتفاقات پشت‌پرده باخبر شدند. ماجرای که تهران را وارد عرصه مناقشه بسیار تندی کرد ماجرای ۱۳ شهریور و در پس آن ماجرای ۱۷ شهریور بود. دقت کنید که ماه رمضان آن سال در مرداد و شهریور بود، بنابراین مساجد تبدیل به یک پایگاه نقد قوی در قضایای کشور می‌شوند. در حقیقت در آن زمان اجتماعات جدیدی شکل گرفته، فضا به صورت زیرپوستی سیاسی شده و حواس مردم جمع شده است. مراسم نماز عید فطر به دعوت آقای مفتاح در تپه‌های قیقریه انجام شد و جمعیت بسیار زیادی آمدند. بعد از نماز، شعارها شروع به سر دادن شد و جمعیت در شهر آمدند و بعد از تظاهرات کم‌کم متفرق شدند. در همان روز قرار گذاشته شد که تظاهرات بعدی در روز ۱۶ شهریور برگزار شود. در گزارش روزنامه‌ها آمده است که ابتدای صف نماز جماعت ظهر روز ۱۶ شهریور، پیچ شمیران و انتهای آن چهارراه قصر بود. بعد از نماز نیز تظاهراتی به راه افتاد و مردم به پیشگامی آقای بهشتی به سمت میدان آزادی رفتند. در روز ۱۷ شهریور یحیی نوری اعلام تجمع کرد و آقای بهشتی چنین تجمعی را اعلام نکرده بودند. صبح ۱۷ شهریور، گردان بهرام که یکی از گردان‌های نیروی گارد بود، به منطقه آمدند و جمعیت بسیار زیادی را کشتند. درخصوص شهدای ۱۷ شهریور، اختلاف نظر زیاد است. کمترین عده که توسط خود پهلوی‌ها اعلام شده، ۴۲۰ نفر است. شاپور بختیار تا چهارهزار نفر را گفته است و در بین مردم این عدد به سه‌هزار نفر می‌رسد. البته عده‌ای نیز خارج از میدان شهید شدند که آمارشان ثبت نشد و نتوانستند ثابت کنند. به نظر رژیم پهلوی نتوانست تصمیم درستی در برابر مواجهه با این افراد زیگی. او بلافاصله سراغ تیربار و تانک رفت. بنابراین محمدرضا شاه به‌خوبی نتوانست به‌درستی تصمیم بگیرد. یکی از مقامات آمریکا در خاطرات خود به نقل از محمدرضا

بزرگ‌ترین اشتباه محمدرضا پهلوی از زبان غربی‌ها

یعقوب توکلی ضمن اشاره به ماجرای ۱۷ شهریور، وقوع آن را نقطه عطفی در تاریخ انقلاب دانست و گفت: «به اعتقاد من، کشتار ۱۷ شهریور، پرورنده رژیم پهلوی را بست. این اتفاق مثل ساطوری بود که دست دولت را برای ارتباط با مردم قطع کرد. خون گسترده‌ای که در این ماجرا روی زمین ریخت، هر راهی را برای بازگشت بست. بعد از این اتفاق، اعلام حکومت نظامی صورت گرفت. اما هرقدر که جلوتر آمدند، گسترش خشونت به گسترش اعتراضات منجر شد. کشتارها در مناطق مختلف ادامه پیدا کرد. خود غربی‌ها می‌گویند که بزرگ‌ترین اشتباه ما این بود که ارتش را وارد خیابان کردیم. در اینجا هوشمندی امام و کسانی که با ایشان کار می‌کردند، نمود پیدا می‌کند. وقتی که ارتش وارد خیابان شد، امام فرمان مسلحانه نداد. او می‌گوید که ای کاش خمینی پیش‌شما بود و در کنار شما کشته می‌شد. در حقیقت، امام خمینی سیاست گل در برابر گلوله را در پیش گرفت. وقتی شما گل را در تفنگ سربازی می‌گذارید او از انگیزه خالی می‌شود. وقتی به او آب و غذا می‌دهید و نوازشش می‌کنید، دیگر نمی‌تواند در برابر شما بجنگد. این اقدام، هوشمندی ضد خشونت امام بود که اجازه نداد اقدامات ساواک و رژیم پهلوی به جنگ داخلی بینجامد. امام حواسش به اینجا بود و می‌گفت که اگر بخوایم ما هم وارد جنگ نظامی شویم، کشور به جنگ داخلی عجیب‌وغریب روبه‌رو می‌شود. راه مصالحه‌جویی حداکثری باعث شد انقلاب با کمترین تلفات به پیروزی برسد.»

خروج امام از عراق، آخرین تیر تفنگ محمدرضا پهلوی

وی به ماجرای اخراج امام از عراق و ورود ناگهانی ایشان به پاریس اشاره کرد و گفت: «بعد از ماجرای ۱۷ شهریور، رژیم پهلوی به مذاکره با دولت عراق پرداخت و قرار شد

افتاد. طلاب در قم به راه افتادند و اعتراض کردند. در روز اول، هیچ کس کشته نشد و درگیری خاصی پیش نیامد اما در روز دوم یعنی ۱۹ دی، تظاهرات به خاک و خون کشیده شد، ۶ نفر کشته شدند و به بسیاری از مراکز حمله شد. این تظاهرات، فضای جدیدی را در کشور فراهم کرد که باعث شد تظاهرات‌های دیگری نیز در سایر شهرها به راه بیفتد. این تظاهرات ادامه داشت تا زمانی که مقرر شد برای شهدای قم مراسم چهلم برگزار شود. این مراسم در تبریز مطرح شد. همه می‌دانستند که اگر تبریز به جنبش پیوندد، تحولات کشور نقش دیگری پیدا خواهد کرد. کشمکش تبریز قدرت رژیم را کاهش داد در حالی که تظاهرات دیگری نیز در شهرستان‌های دیگر برگزار می‌شد. این ماجرا ادامه داشت تا زمانی که مراسم چهلم شهدای تبریز در یزد برگزار شد. بعد از این اتفاق، حکومت دیگر در یزد، قدرتی نداشت و این استان تقریباً جدا شده بود. معروف است که یزد در یک سال منتهی به انقلاب، تبعیتی از دولت پهلوی نداشته است. این ماجراها تا شهریور ۱۳۵۷ ادامه پیدا کرد. جالب اینجاست که تا این زمان هیچ درگیری و تظاهرات جدی‌ای در تهران شکل نمی‌گیرد. فضا در تهران مسوم و درگیر است و به‌نوعی پیچ‌چیز زیاد است اما تا ۱۳ شهریور ۱۳۵۷، اتفاق خاصی رخ نداده است. دولت‌آموزگار در این زمان، وارد فاز جدیدی از خشونت شد. محمدرضا در همین ایام سخنرانی می‌کند و می‌گوید که ما به شما تمدن بزرگ را نشان می‌دهیم و آنان به شما خشونت بزرگ را نشان می‌دهند. چند روز بعد از این سخنرانی، ماجرای آتش‌سوزی سینما راکس آبادان اتفاق می‌افتد و بیش از ۴۰۰ نفر به طرز فجیعی کشته می‌شوند. به نظر مردم آن زمان رژیم می‌خواست یک ضرب‌سستی به مردم نشان بدهد تا حواس‌شان باشد که می‌خواهند چه راهی را انتخاب کنند اما این موضوع به زبان رژیم تمام شد و نتیجه این شد که آموزگار استفا داد و بعد از او دولت شریف‌امامی روی کار آمد. او با شعار مصالحه آمد و اولین اقدام او تغییر تاریخ شاهنشاهی، افزایش حقوق کارمندان و... بود. جالب است که او آمده بود و شعار می‌داد که ما مسلمان هستیم و با روحانیت رفیقیم و... این صحبت در حالی از سمت او مطرح شد که خودش رئیس بنیاد پهلوی بود و به‌نوعی تمام کارینوها زیر دست او اداره می‌شد.»

گفت‌وگو

حسین شیخ‌الاسلام پاسخ داد

چرا رهبر انقلاب با مذاکره هسته‌ای موافقت کردند؟

سوق دادند و بر همین اساس آقای روحانی رئیس‌جمهور شد. شیخ‌الاسلام گفت: «با توجه به اینکه آقای روحانی سلباً مذاکره هسته‌ای با کشورهای غربی را در کارنامه داشت و از سوی دیگر یکی از شعارهای اصلی انتخاباتی وی، چرخیدن هم‌زمان سانسنتریفیوژها و اقتصاد کشور بود، بر همین اساس مهم‌ترین راهبرد دولت آقای روحانی مذاکره بر سر فعالیت‌های هسته‌ای کشور اعلام شد. وی با بیان اینکه پس از روی کار آمدن آقای روحانی، رهبر انقلاب عملاً با دولتی مواجه شدند که با شعارهای خود، حل تمامی مشکلات به‌ویژه مشکلات اقتصادی کشور را به مذاکره با آمریکا پیوند زد، تصریح کرد: «هنر مقام معظم رهبری این بود که با پشتوانه دستاوردهای علمی و هسته‌ای دولت نهم و دهم و همچنین توانایی تیم مذاکره‌کننده دولت یازدهم، در نهایت اعتراف رسمی بین‌المللی به این را که «انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست» محقق کردند.»

شیخ‌الاسلام ادامه داد: «بنابراین در جریان برنامه‌ها وجود اینکه رهبر انقلاب از ابتدای مذاکرات به‌صراحت اعلام کرده بودند که نسبت به مذاکره با آمریکا خوشبین نیستند، ولی از آنجا که آقای روحانی رئیس‌جمهور منتخب مردم بود، رهبر انقلاب علی‌رغم عدم اعتماد به آمریکا و مذاکره با او، به‌منظور ایجاد فرصت برای آقای روحانی برای تحقق وعده‌های انتخاباتی‌اش، مذاکره با آمریکا را با در نظر گرفتن شروطی پذیرفتند.»

حسین شیخ‌الاسلام، کارشناس مسائل بین‌الملل، با اشاره به مذاکرات هسته‌ای ایران با کشورهای اروپایی در سال ۸۲ گفت: «آقای روحانی در دولت اصلاحات به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی به‌همراه همان تیم مذاکره‌کننده کشورمان در برجام، مسئول مذاکره با سه کشور غربی بر سر فعالیت‌های هسته‌ای بود.»

وی افزود: «بر اساس توافقنامه سداب‌آباد، ایران متعهد شد که تمامی فعالیت‌های هسته‌ای خود را به‌حالت تعلیق درآورد و تاسیسات اتمی خود را در حضور ناظران آژانس انرژی اتمی پلمب کند. اما رئیس‌دولت اصلاحات در ماه‌های پایانی ریاست‌جمهوری خود در سال ۸۴، به‌دلیل عدم اجرای تعهدات غربی‌ها، دستور شکستن پلمب تاسیسات و آغاز به کار مجدد مراکز هسته‌ای کشور را صادر کرد.»

این کارشناس مسائل بین‌المللی در گفت‌وگو با تسنیم خاطرنشان کرد: «در زمان ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد شعار «انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست» به‌درستی تبدیل به یک مطالبه ملی شد و با توان اجرایی بالای دولت نهم، صنعت هسته‌ای ما با تلاش دانشمندان هسته‌ای کشور، توانست ۲۰ هزار سانتریفیوژ را در چرخه صنعت هسته‌ای کشور قرار دهد. ولی متأسفانه از آنجا که آقای احمدی‌نژاد، درک و شناخت صحیحی از سازوکارهای ظالمانه بین‌المللی نداشت، ایران را درگیر ۶ قطعنامه ذیل فصل هفت منشور کرد که علیه کشورمان صادر شده بود. با انعام دولت دهم، برخی رویکردها و تمایلات مردم را به‌سمت مذاکره با آمریکا

آگهی مزایده و مناقسه

دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر در نظر دارد به شرح ذیل مناقسه و مزایده برگزار نماید:

- ۱- واگذاری تهیه مواد اولیه و طبخ و توزیع غذای روزانه و صبحانه مورد نیاز دانشگاه به افراد واجد شرایط (مناقسه‌نویت اول)
- ۲- اجاره‌دانه یوفه‌دانشجویی (برادران و خواهران) باقیمت پایه ۲۶۴۰۰۰۰۰ ریال به‌پیمانکار واجد شرایط (مزایده‌نویت اول)
- ۳- اجاره دادن تکثیر و انتشارات دانشگاه به قیمت پایه ۲۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به پیمانکار واجد شرایط (مزایده‌نویت اول)

مقاضاضان واجد شرایط هر یک از بندهای فوق می‌توانند با واریز مبلغ ۵۰۰۰۰۰ ریال به شماره حساب ۰۳-۵۶۲۸۰۷۰۰-۱۰ نزد بانک ملی شعبه دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر به نام این دانشگاه برای هر یک از بندها (غیرقابل استرداد) با مراجعه به واحد تدارکات واقع در کیلومتر ۲ جاده اهر-تبریز مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی ساختمان فنی قدیم، طبقه ۲ اتاق ۳۱۰ نسبت به‌خرید اسناد اقدام نمایند.

محل تحویل اسناد و پاکت پیشنهادات قیمت دفتر حراست واقع در ساختمان کتابخانه -آخرین مهلت شرکت در مناقسه و مزایده‌های فوق ۱۰ روز کاری از تاریخ درج آگهی می‌باشد.

-تضمین شرکت در مناقسه سلف‌سرویس ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال، -تضمین شرکت در مزایده یوفه ۲۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال -تضمین شرکت در مزایده تکثیر و انتشارات مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال می‌باشد که می‌بایست به صورت ضمانت‌نامه معتبر بانکی حداقل به مدت ۳ ماه یا چک تضمین شده به نفع دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر یا رسید بانکی در وجه دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر باشد.

-هزینه درج آگهی به عهده‌برنده می‌باشد.

-دانشگاه در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.

-سایر شرایط در فرم‌های اسناد مناقسه و مزایده درج شده است.

-به پیشنهادهای مهمم، مشروط، فاقد سیرده ترتیب‌ان داده نخواهد شد.

-شرکت در مناقسه و مزایده و ارائه قیمت به منزله قبول قوانین و مقررات آیین‌نامه معاملات دانشگاه است.

کمیسورین معاملات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

سازمان توزیع روزنامه فرهنگیستان

@Department of Distribution

تلفکس: ۰۲۱) ۶۶۳۴۸۰۱۱-۱۲

سازمان آگهی‌های روزنامه فرهنگیستان

Advertisement's Organization

تلفن: ۰۲۱) ۶۶۳۴۸۰۱۸-۶۶۳۴۸۰۴۶

فکس: ۰۲۱) ۶۶۳۴۸۰۱۷

ایمیل: a66348018@gmail.com